

متن پرسش

استاد عزیز سلام. چیزی که من می فهمم اینه که شما هر کس که مطابق فکر خودتان حرف می زند را اهل فکر و زمانه فهم خطاب می کنید و دیگران نمی توانند با شما هم فکر شوند و یا دروغگو هستند و یا لایق پرخاش در مسجد هستند چون یه حرفی زدند. متن پیام رهبری در مورد توافق صریحا مشخص است. یه دوستی پیام می فرستد حاشیه متن آقا را پر رنگ می کند و وزن اصل پیام را کم می کند و شما خدا را شکر می کنید که چنین اهل فکری هستند. آیا آقای مهدی محمدی حرف های خلاف واقع ندارند؟ من پیام آقای برزگر را که شما مطالبشون را تایید می کنید برایتان فرستادم خطای گفتارشان را به عرض رساندم اما شما ترجیح دادید این خطاها را ندیده بگیرید. اغماض های کلامتان خیلی زیاد شده. حقیقت حضور زمانه چیست که از خطاهای موافقمان تفاهم می توان گذر کرد ولی نمی توان نیم نگاهی هم به کلام منتقدان داشت. برهان صدیقینی برای درک زمانه ارائه دهید که این تناقضات را پوشش بدهد و الا بنده و طیف گسترده ای از مخاطبان همیشگی شما از شما دلسرد خواهیم شد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به هر حال هنوز همه ی حرف بنده آن است که باید جریان های دلسوز اعم از طرفداران مذاکره و یا مخالفان مذاکره همدیگر را درک کنند و این طور نیست که یک جبهه بنای خیانت داشته باشد و اساساً به این نکته فکر کنید چرا رهبر انقلاب با آن که نظر دیگری داشته اند اجازه ی امضاء آن تفاهم نامه را به آقای رئیس جمهور دادند. آن هم مشروط بر آن که دو سوم شورای عالی امنیت ملی آن را تأیید کنند. آیا این حکایت از آن ندارد که مصلحت نمی دانسته اند در آن شرایط نظر خود را بدهند حاکی از آن که ممکن است دولت آمادگی آن نوع برنامه را نداشته باشد؟ ولی با این حال مسئولیت را به دوش شعام گذاشتند بدان معنا که آن ها ذیل نظر رهبری به هر چه رسیدند رئیس جمهور عمل کند. بنابر این، این نه تحمیل به رهبری حساب می شود و نه به نحوی مقابله ی رئیس جمهور با رهبری. و به همین جهت در پیام خود می فرمایند «تفاهم نامه ای بین رئیس جمهوران ایران و آمریکا امضا شد. در مسیر رسیدن به این مرحله، مسئولین امر، از سر دلسوزی و با حسن نظر، تلاش های زیادی را به عمل آوردند» با توجه به این امر نباید طوری تصور شود که ما فضا را فضای دو قطبی کنیم و از جامعیتی که نظام اسلامی بدان نیاز دارد عدول نماییم. و حال این ماییم و جهانی که «سیاست آن عین دیانت آن و دیانت آن عین سیاست آن است» این است جهانی که در پیش است

و باید نسبت به آن بسیار بیندیشیم.

زیرا وقتی می‌توانیم از غرب عبورکنیم که غرب را به خوبی بشناسیم و تنها در آن صورت است که متوجه می‌شویم باید به انسان دیگری فکر کرد تا روشن شود آنچه در ایران تمدنی در عرصهٔ «زیستن با دیگری» اهمیت دارد، حقیقت جاری و ساری در زندگی است که با نگاه تاریخی به رخدادها پیش می‌آید. در این حالت است که همدیگر را می‌فهمیم. نکته‌ای که جناب حجت الاسلام آقای محسن عباسی ولدی به خوبی مطرح فرمودند <https://eitaa.com/arshiv۳۱۳۳/۱۳۴> موفق باشید